# اشاعه منطق گفتگوی بین مسلمانان با معیارهای قرآنی

اشاعه منطق گفتگوی بین مسلمانان

با معیارهای قرآنی

محسن موحدی

کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

مدرس مراکز تربیت معلم استان اصفهان

چکیده:

برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، به ویژه از راه گفتگو، نیازمند آموزش و بهکار بستن مهارت ها، اخلاق و آدابی است که گروه های مختلف ـ از خانواده تا جامعهـ را در بر میگیرد. فقدان این مهم در روابط افراد، خواه بر اثر نادانی یا ناتوانی، موجب سردی و بیاثر بودن یا قطع روابط و گاه بروز تنش ها و درگیری ها میشود.

در این میان، آموزه های دینی، به فراوانی، عناصر، عوامل و آسیب های ارتباط مؤثر، به ویژه آداب گفتگو را ارائه نمودهاند. این نوشتار، پس از طرح نکاتی مقدماتی، مهم ترین عوامل برقراری ارتباط گفتاری مؤثر، معیارهای سخن شایسته و موانع و آسیب شناسی ارتباط را ارائه نموده و در پایان، بخشی از آداب ویژة گفتگو با گروه های خاص و نیز راهکارهای تحقق آنها را بر اساس آموزه های دینی بر نمایانده است.

واژگان کلیدی:

- قرآن
- گفتگو

- مسلمانان

مقدمه:

سخن از گفتگو و منطق و قواعد آن برخلاف بعضی از مباحث دیگر یک گفتار انتزاعی یا گفتاری علمی و محدود به قلمرو مسائل دانشمندان نیست بلکه به زندگانی روزمره انسان ها در جامعه مرتبط است. رعایت منطق آداب و ضوابط گفتگو نه تنها رهگشای مسائل علمی و نخبگان سیاسی است که در روابط خانوادگی و مراودات روزانه افراد عادی جامعه نیز ملموس، کارآمد و سودمند است. گفتگو, بخش مهمی از ارتباطات را به خود ویژه میسازد. ولی افراد معدودی مهارت های ایجاد رابطة مؤثر را دارا هستند. چه, مهارت ها و شیوههای برقراری ارتباط, یادگرفتنی و آموختنیاند و فقدان آنها, سردی و بیاثر بودن یا قطع روابط و گاه بروز تنش های فراوان در میان گروه های مختلف ـ از محیط خانواده تا سطح جامعهـ را در پی دارد. بر این اساس, تحقیق و پژوهش و نیز آموزش شیوه ها و راهکارهای گفتگو بر اساس آموزههای دینی, ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

آنچه مسلم است فرضیات سترگ و مردافکنی وجود دارد که دین و بنیاد های دینی را با گفتگو ناسازگار میداند.برای مثال این فرضیه وجود دارد که ادیان سخن از برتری خود و حقیقت مطلق داشتن خویش میرانند و مرزبندی کافر و مؤمن ودوزخی و رضوانی دارند و بر تعبد استوارند پس نمیتوانند منادی گفتگو یا موافق آن باشند زیرا با آن ویژگی ها فقط یکسویه مبتنی بر گفتن هستند نه شنودن و«گفت» بدون «گو»است و کلامی که از آسمان و از سوی عالم و حکیم مطلق برای بندگان مخلوق میآید. به همین دلیل ادیان همواره مانع گفتگو و در نتیجه تفاهم و پیشرفت بودند و عصبیت را که با دین سیراب میشود همیشه فربه ساختهاند و هرجا تعصب آمد گفتگو رخت بربست.

مفهوم گفتگو:

این واژه هر چند در ظاهر، ساده مینماید، ولی واژهای است که به تازگی با بار معنایی جدیدی مطرح شده و قداست و گیرایی خاصی در اذهان پدید آورده است. این بار معنایی ، پیامآور ارتباط صمیمی، دوستانه و مخلصانه افراد، ادیان و تمدنهای مختلف با یکدیگر است . گفتگو ترکیب عطفی به معنای صحبت، بحث، سخن،محاوره و مکالمه است.این واژه که اغلب در نوشتارهای امروزی، متصل به یکدیگر نوشته میشود غلط مشهور است؛ چه این که کتب لغت معتبر ، آن را به صورت ترکیب عطفی گفت و گو ثبت نمودهاند. این واژه در ادبیات سابق، بیشتر به صورت گفت و شنود نوشته یا بیان میشد. به نظر میرسد واژه گفت و شنود گویاتر و روشن تر از واژه گفتگو باشد؛ زیرا نشان دهنده این معناست که طرفینِ گفتمان، مکالمه دو جانبه داشته، هم سخن میگویند و هم به سخن فرد مقابل گوش میدهند.

گفتگو را میتوان معادله واژه conversation گرفت که منظور از آن گفت و شنود، مکالمه، محاوره و مذاکره است. در این حالت، ممکن است فرد با فرد یا جامعه با جامعه با عقاید و مذاهب گوناگون به

مکالمه و مذاکره بپردازند. به نظر می‌رسد مکالمه ادیان و مذاهب با یکدیگر وافی به مقصود نیست؛ چه این که مکالمه، در موارد فوری و ضروری، آن هم در سطحی نازل صورت می‌گیرد. از این رو، منظور ما از گفتگو، مکالمه نمی‌باشد.

ممکن است گفتگو را به معنای ارتباط (communication)گرفت. در این حالت منظور از گفتگوی ادیان و مذاهب، ارتباط این دین ها با یکدیگر است. از آنجایی که در طول تاریخ، ادیان و مذاهب به گونه‌ای با یکدیگر ارتباط طبیعی داشته‌اند، نمی‌توان از گفتگو، ارتباط را اراده کرد؛ چون به هیچ وجه وافی به مقصود نبوده و معنای واقعی گفتگو را نمی‌رساند.

اگر گفتگو را معادل سخنرانی و گفتگوی علمی (discourse) بگیریم، در این حالت، بالاتر از سطح مکالمه یا ارتباط خواهد بود و منظور از آن، گفتگوی فرهیختگان و دانشمندان ادیان، ملت ها و تمدن ها با یکدیگر است و از آن به گفتمان نیز تعبیر شده است .

علاوه بر آن، می‌توان گفت و گو را معادل دیالوگ (dialogue) دانست که همانند واژه discourse بار معنایی قوی‌تری از مکالمه و ارتباط دارد. (بولتون ، 1381، صص 53-56)

با توجه به آنچه گذشت می‌توان این نتیجه را گرفت که منظور از گفتگو ، بحث علمی و مبادله اطلاعات و اندیشه ‌ها از طریق گفت و شنود است؛ یعنی عالمان و صاحب نظران مسلمان و متفکران سایر ادیان و مذاهب، با استفاده از همه علوم عقلی و نقلی و همین طور آداب و رسوم بر گرفته از دین و یا سایر رسوم اجتماعی، طی نشست های علمی در باره محتوا و ویژگی های دین، عقاید و فرهنگ خود، به منظور دستیابی به حقیقت های فطری و مشترک به گفتگو نشسته و همدیگر را در مسیر رسیدن به اهداف مشترک یاری نمایند. در قرآن کریم گفتگو و مذاکره برای رسیدن به تفاهم، جایگاه خاص و ویژه ای دارد. بیشترین سوره ها و آیات قرآن کریم درباره نحوه مجادله و گفتگوهای پیامبران الهی با مخالفان، گفتگوهای پیروان ادیان با یکدیگر و پیامبر اکرم صلی اله علیه و آله با پیروان سایر ادیان می باشد.

معیارهای قرآنی گفتگو:

در جریان گفتگو, عناصر اخلاقی ـ رفتاری چندی وجود دارد که موجب تسهیل, استواری و بیشینه کردن تأثیر فرایند گفتگو میگردد. مهم ترین عناصر یادشده ـ از نگاه آموزه های دینیـ عبارتند از:

- ادب و احترام متقابل:

رعایت ادب در حفظ احترام مخاطب, آغازین شرط برقراری گفتگوی مؤثر, مطلوب و با ثبات است. حرمت شکنی در گام نخست, حالتی روانی را برای مخاطب موجب میشود که مانع پذیرش سخنان گوینده و حتی شعله ور شدن آتش خشم و تنفر در وی میگردد. از اینرو, حفظ حرمت و ادب, حتی در جایی که طرف مقابل, پایبندی

به آن ندارد, ضرورت مییابد, و این گونه است که ابراهیم علیه السلام هنگامی که در گفتگوی منطقی آمیخته با احترام خود با عمویش آزر, با برخورد توهینآمیز او روبرو گردید, و فریاد تهدید او را شنید(مریم/ 42 و 46), باز هم جانب حرمت را پاس داشت و فرمود: « سلام علیک سأستغفر لک ربّی, إنّه کان بی حفیّاً » (مریم/ 47) بنابراین, بدون رعایت ادب و احترام متقابل, گفتگو نه تنها تأثیر مثبتی ندارد بلکه غالباً, بر مشکلات و تنش ها میافزاید و این جاست که دم فرو بستن, به از بیادبانه سخن گفتن است.

- مثبت نگری:

در جریان گفتگو , معانی مختلفی توسط شنونده خلق یا دگرگون میشوند, چرا که نمادهایی همچون کلمات, به خودی خود, بار معنایی لازم را نمیرسانند, بلکه نیازمند تفسیر هستند و در فرایند تفسیر آن, عواملی همچون بافت و شرایط سخن و گرایشات و فضای ذهنی گوینده, نقش دارند. از اینرو, دو طرف گفتگو , همواره یکدیگر را تفسیر میکنند (وود، 1379: 73ـ74) و میتوانند نگرش های مثبت یا منفی و گاه حتی بر خلاف نظر طرف مقابل, در خود ایجاد کنند. بدین جهت, در آموزههای دینی, ضمن تأکید بر مثبت نگری, از افراد خواسته شده, هنگام برقراری گفتگو با برادران دینی خود ، همواره بهترین تفسیر را از سخنان آنان, داشته باشند.

قرآن کریم, با انتقاد از منفی نگری در آیات 11 و 12 سوره ی نور و همچنین آیات 30 و 33 سوره ی بقره و نهی از آن در آیه ی 12 سوره ی حجرات, سیره ی پیامبران الهی را در آیات 78 و 84 سوره ی هود و همچنین آیات 90 و100 سوره ی یوسف ، به تصویر میکشد که با مثبت نگری, نقاط قوت اقوام خود را یادآور میشدند و از این شیوه برای نفوذ در آنان و برقرار ساختن گفتگوی مؤثر, سود میجستند.

- اعتماد آفرینی:

از عوامل مهم برقراری گفتگوی مؤثر و نفوذ در مخاطب, کسب اعتماد او به گفتار و انگیزه ی گوینده است. آن سان که میان افزایش عناصر اعتماد آفرین با بیشینه سازی پذیرش مخاطب, رابطه ی مستقیمی وجود دارد. قرآن کریم, با اشارهای لطیف در داستان ابراهیم علیه السلام این واقعیت را مطرح ساخته است؛ آن گاه که جمعی از فرشتگان برای نابودی قوم لوط, به صورت ناشناس نزد ابراهیم علیه السلام آمدند و از دست بردن به غذا خود داری ورزیدند ، ابراهیم علیه السلام احساس بیگانگی و دلهره کرد و از گفتگو با آنان, خودداری نمود. ولی پس از شناسایی و دریافت بشارت از آنان, باب گفتگو را دربارهٔ مأموریت آنان و شفاعت از قوم لوط آغاز نمود: « فلمّا ذهب عن إبراهیم الروع و جاءته البشری یجادلنا فی قوم لوط» ( هود /74)

مهم ترین عناصر اعتمادآفرین در گفتگو، عبارتند از:

الف- راستگویی: به طوری که برای شنونده, از روی قرائن یا شناخت قبلی, کاملاً محسوس و ملموس باشد.

چه, هیچ گونه اعتمادی به دروغگو نیست. از اینرو, رسول گرامی اسلام صلی ا علیه و آله پیش از رسالت, به صدق و راستی, شهره بود.

ب- خیرخواهی: انگاره ی خیرخواه و دلسوز بودن گوینده در ذهن مخاطب, موجب تحکیم اعتماد وی و در نتیجه تأثیر فزون تر گفتار بر دل و جان او میگردد. از اینرو، پیامبران هنگام دعوت و گفتگو, بر خیرخواهی و دلسوزی خود تأکید میورزیدند ( اعراف/ 62 ، 68 ، 79 و 93؛ مریم/ 45 و 47؛ شعراء/ 135؛ مؤمن/ 30 و 33). نفی شائبههای خودخواهی و سودجویی از سوی آنان نیز (ر.ک: هود/ 29؛ فرقان/ 57؛ شعراء / 109 ، 127 ، 145 ، 164 و 180؛ شوری/ 23), در همین راستا صورت میگرفت.

جـ پرهیز از خود محوری: غرور خود برتربینی در گفتگو (بقره/ 206) و بیتوجهی به دیدگاه های طرف مقابل (هود/ 28), موجب سلب اعتماد وی میشود.

- هم نوایی (هم زبانی) :

تردیدی نیست که در فرایند گفتگو , غالباً اختلاف نظرهایی برخاسته از تفاوت دیدگاه ها, باورها و سلیقه ها وجود دارد. از سوی دیگر, برخورد با باورهای اشخاص, به واقع برخورد با حقیقت آنهاست, و انگیزه و نظر ما هر چند خیرخواهانه و به حق باشد, آن گاه که برای بیان اشتباه دیگران به کار میرود, روند ارتباط را به مخاطره میافکند. محتملترین واکنش مخاطب در این گونه شرایط, گرفتن حالت تدافعی است. از اینرو, بهترین شیوه در این حال, استفاده از روش همگام شدن است. (وود، 1379: 47ـ 48) که قرآن کریم, به هدف برقراری ارتباط مؤثر و نفوذ در مخاطب, ارائه نموده است: « قل... و إنّا أو إيّاكم لعلى هدى أو فى ضلال مبين.» (سبأ/ 24 ).

- رازداری:

رازداری و پاسداشت اسرار, نشانة ظرفیت بالای شخصیت و خرد آدمی است . این مهم در گفتگو , در دو عرصة حفظ اسرار خود و دیگران نمود مییابد:

در مورد نخست, خودافشایی گاه مطلوب است و دیگرگاه ممنوع؛ خودافشایی در حد متعارف و معقول, به ویژه در آغاز گفتگو جهت گشودن باب گفتگوست، نیز برای تسهیل ابراز خود رهایی از احساسات منفی و ناخوشایند, نزد افراد قابل اعتماد, که خود درمانبخش و سودمند است. ولی افراط و تفریط در آن, برقراری روابط را دچار مشکل میکند (هارجی، 1377: 249 و 254) بدینسان, افشا های عمیق حتی در روابط نزدیک هم میتواند خطرناک باشد.

خودافشایی ممنوع نیز, مواردی دارد که از آن جمله است: فاش ساختن اسراری که زمینه ی بیآبرویی یا سوء استفاده ی فرصتطلبان را فراهم میکند. برملا کردن گناهان نهانی خود نزد دیگران و فاش کردن اسرار خود و جامعه نزد دشمنان (آل عمران/ 118؛ توبه/ 16). مخاطب نیز نباید در افشاخواهی و آگاهی

از اسرار گوینده, پای فشارد (حجرات/ 12).

- اولویت شناسی:

تشخیص یا دگرگون سازی موضوع بحث و گونة بیان آن به فراخور زمینه ها و شرایط از دیگر عناصر ایجاد و تداوم ارتباط گفتاری مؤثر است. گوینده باید موضوعاتی را انتخاب و به گونهای مطرح نماید که مفید و متناسب با فضای گفتگو باشد و این گونه است که محتوا, سیاق و حتی سجع و آوای سور مکی و مدنی قرآن, غالباً با یکدیگر تفاوت دارد؛ چرا که محیط و فرهنگ حاکم بر آن دو و موقعیت مسلمانان و مخاطبان مستقیم آیات, این گونه اقتضا میکرد, از سوی دیگر, بر گوینده است که موضوعات مطرح شده از سوی دیگران را ـکه بیفایده, نامناسب, گناهآلود یا اختلاف برانگیز میباشد ـ به سمت مطالب مفید و سازنده, هدایت کند, شیوهای که قرآن کریم, در مواردی, آن را پیش گرفته است. برخی از مسلمانان یا مخالفان, گاه مسائلی را مطرح میکردند که هیچ گونه سودی برای آنان نداشت, در این گونه موارد, قرآن کریم, با تغییر دادن موضوع بحث و اشاره به بعد دیگر مسئله, پاسخی متناسب و مفید ارائه میفرمود و یا به سادگی از کنار آن میگذشت تا باب گفت و شنود در آن موضوع, بسته شود (فضلا، 1380: 192 و 197). برای نمونه گروهی نزد رسول اکرم صلی ا علیه و آله آمده و از هلال ماه و چگونگی پیدایش و دگرگونی های آن, سؤال کردند, اما از آنجا که علل پیدایش و محاسبات دقیق آن, نه در افکارشان میگنجید و نه فایدهای برای آنان در بر داشت, قرآن در پاسخ آنها, به بیان فواید دگرگونی هلال پرداخت. نمونة دیگر, گفتگوهای فراوانی بود که در مورد شمار اصحاب کهف وجود داشت. قرآن کریم, پس از طرح داستان, با اشاره به اختلاف یادشده و بدون تصریح به عدد واقعی آنها, پیامبر را از هرگونه جدال و گفتگو در این باره ـ جز با منطق برتر و مستدلـ نهی میکند (کهف/ 22). آموزه و پیام آیه, نکوهش گفتگو بر سر این آیه، مطالب کماهمیت یا بیفایدهای است که میتواند آدمی را از اندیشیدن به مطالب اساسی و از جمله اهداف و آموزه های هدایتی داستان قرآن, باز دارد.

- توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب (در سطح دیگران ظاهرشدن)

توجه به سطح درک و فهم مخاطب, و نیز نیازها, علایق و گرایش های وی, در واقع یکی از معیارهای گزینش موضوع گفتگو و چند و چون آن است. گوینده باید با در نظر گرفتن سن, پایگاه اجتماعی و سطح خرد و دانش مخاطب, آنسان سخن گوید که قابل فهم و درک باشد و هم با ایجاد همسطحی و همسانی بین خود و مخاطب و در سطح او ظاهر شدن, موجب تأثیرگذاری در وی و کسب حمایت و همکاری او گردد. از اینرو، پیامآوران الهی, در وهلة نخست, به «زبان» فرهنگ و عرف مقبول جامعة خویش سخن میگفتند (ابراهیم/4) افزون بر آن, سطح درک و خرد مخاطبان را در نظر داشته و در ارتباطات گفتاری, در سطح آنان ظاهر میشدند.

- هنر خوب گوش دادن:

بر اساس پارهای بررسی ها, به طور متوسط 45 درصد از وقت گفتگو , صرف شنیدن میشود (هارجی، 1377: 215), ولی معدودی از افراد, شنوندگان خوبی هستند. چه, میان «شنیدن» و «گوش دادن» تفاوت است: «شنیدن» برای توصیف آن بخش از فرایندهای حسی به کار میرود که از طریق آن, تحریک های شنیداری توسط ساختار گوش دریافت شده و به مغز منتقل میشود, ولی «گوش دادن» فرایندی پیچیده و فعال است و شامل این عناصر: توجه (به سخنان گوینده بدون درگیر شدن با افکار, احساسات و داوری های خود), شنیدن, انتخاب و سازماندهی اطلاعات, تفسیر (در نظر گرفتن دیدگاه گوینده), پاسخدهی (با علائم بدنی همچون نگاه و تأیید و...) و به خاطر سپردن اطلاعات (وود، 1379: 348 و 362)

نیک روشن است که گوش دادن, نیازمند تلاش و تمرین است و عواملی همچون: حضور روانشناختی مخاطب و توجه او به گوینده, فهم و مقصود گوینده, تمرکز حواس و نبود اشتغال ذهنی, حالت مناسب فیزیکی و تماس چشمی, در آن نقش دارند.

با توجه به اهمیت گوش دادن و نقش آن در اثر ارتباطات است که قرآن کریم پیامبراکرم صلی ا علیه و آله را, به خاطر خوب گوش دادن توأم با احترام و خوشبینی ، میستاید: « و منهم الذین یؤذون النبیّ و یقولون هو أُذن, قل أُذن خیر لکم یؤمن با و یؤمن للمؤمنین و رحمة للذین آمنوا منکم » (توبه/61)

هر چند پیام اصلی این آیه, بیان لطف و محبت رسول خدا صلی اله علیه و آله در گوش فرا دادن به سخنان مردم و تأیید ظاهری آنهاست, اما این نکته نیز به خوبی برمیآید که توجه کامل به سخنان گوینده, از آداب گوش دادن است ، هرچند تصدیق عملی و ترتیب اثر دادن, مخصوص گفتار مؤمنان است که قابل اعتماد باشد.

- بهرهگیری از زبان بدن:

بر اساس پارهای بررسی ها, بیش از نیمی از مکالمات رودرروی ما, غیر کلامی هستند و« زبان تن» پیش از آن که سخن بگوییم, احساسات و نگرش های ما را مخابره میکند (گابور، 1381: 13). حالت چهره, تماس چشمی، طرز صدا و ژست بدنی, هر کدام پیامی را تداعی میکنند و در این میان, حالات چهره, از سایر شاخص ها مؤثرتر است. (ریچاردسون، 1381: 32؛ هارجی، 1377: 63)

قرآن کریم در مواردی چند, به این نکته اشاره فرموده, از جمله, در مورد تهیدستان خویشتندار میفرماید: « تعرفهم بسیماهم » (بقره/ 273) و دربارة منافقان: « و لتعرفنّهم فی لحن القول » (محمد/ 30؛ رحمن/ 41؛ مطففین/ 24؛ عبس/ 1 و 2)

اهمیت توجه به «زبان تن» تا بدانجاست که هرگاه بین حالات چهره و گفتار شخص, ناسازی وجود داشته باشد, حالات چهره و رفتار غیر کلامی او, به مراتب مهم تر و معتبرتر از سخنانش میباشد, به ویژه این

که کنترل گفتار, بسی آسان تر از کنترل چهره است. (هارجی، 1377: 64) مهم ترین جنبههای زبان تن برای تسهیل و تأثیر گفتگو عبارتند از:

ـ چهرة باز و تبسم که نشان میدهد برای طرف مقابل, رفتار مثبت و پذیرش قائل شدهاید. از اینرو رسول خدا صلی ا علیه و آله پیوسته با تبسم سخن میگفت.

- تماس چشمی مستقیم و مناسب, نه پیوسته و جبری ، چرا که چشم ها در واقع آینه ی روح هستند و نمایانگر خشم و مخالفت (احزاب/ 19؛ محمد/20) یا عشق و محبت. از اینرو, رسول خدا صلی ا علیه و آله , هنگام گفتگو, نگاه گرم و صمیمانه ی خود را, از هیچ یک از مخاطبان, دریغ نمیفرمود و همواره نگاه های خویش را, میان یارانش تقسیم میکرد؛ و به طور برابر, گاه بدین سو نظر میفرمود و گاه بدان سو. آنسان که تمام اهل مجلس را از توجه خود بهره مند میساخت.

ـ استفاده از احساسات خویش در بیان افکار خود.

- شایستگی سخن:

شایستگی چند و چون سخن و در نظر داشتن معیارهای سخن شایسته, از مهم ترین عوامل برقراری ارتباط مؤثر است. قرآن کریم, با عناوینی همچون «معروف» و «حسن», این مهم را به گونه کلی, مطرح فرموده است (نساء/ 5 و 8 ؛ بقره/ 235 و 263؛ احزاب/ 32؛ محمد/ 21). سخن شایسته, خود معیارها و مؤلفههایی دارد که به مهم ترین آنها اشاره میشود :

الف) شیوایی و رسایی: این هنر است که قرآن به نیکی از آن بهره برده و با قرار گرفتن در اوج قلة فصاحت و بلاغت, آن چنان در دل ها نفوذ کرده که حتی دشمنان سرسخت خود را, وادار به اعتراف نموده است, آنسان که تأثیر فوقالعادهاش را «سحر» مینامیدند (مدثر/ 24). برخی از عوامل شیوایی و رسایی گفتار, عبارت است از: رعایت ایجاز (نه چنان دراز و ناسخته که به اطناب انجامد, و نه چنان کوتاه و پیچیده که از پیامرسانی باز ماند) ، بهرهگیری مناسب از آرایه های ادبی, تشبیه و کنایه، روانی و همواری برونی و درونی الفاظ, برخورداری از ساختاری منسجم و نیکو و توجه به جنبههای عاطفی.

ب) سلامت و عفت کلام: پرهیز از تعبیرات زننده و کلمات رکیک, مبتذل و ناموزون, از شرایط مهم «سخن شایسته» است. نمونه ی زیبای آن را قرآن کریم, در گزارش داستان یوسف علیه السلام به تصویر کشیده است, داستانی که در ترسیم صحنه های حساس عشق سوزان و آتشین زنی زیبا و هوسآلود با جوانی پاکدل و پاکدامن, «دقت در بیان» را با «متانت و عفت» به هم آمیخته, و در شرح « خلوتگاه عشق» بدون آن که از ذکر وقایع چشم بپوشد, تمام اصول اخلاقی و عفت را نیز به کار بسته است : « و راودته التی هو فی بیتها عن نفسه و غلّقت الأبواب و قالت هیت لک قال معاذ ا, إنّه ربّی أحسن مثوای إنّه لایفلح الظالمون » (یوسف/ 23)

واژه ی «راود» (طلب چیزی با اصرار آمیخته با نرمش) و تعبیراتی همچون « التی هو فی بیتها » , «

غلّقت الأبواب » و به ویژه « قالت هیت لک » (بیا که من در اختیار توام), آن صحنة حساس را با عباراتی سنگین و پرمعنا و بدون هیچ گونه جنبه ی تحریکآمیز و بدآموز, ترسیم کرده )مکارم شیرازی، 1363: 9/378 و 381) و سپس بلافاصله شیوه ی مقابله و سخنان هوشمندانه ی یوسف و نیز عاقبت شوم هوسرانی را, مطرح فرموده است. در همین راستا, قرآن کریم هنگام یادکرد یا توصیف اشیا و مطالب شرمانگیز و خلاف ادب, همواره از تعبیرات کنایی استفاده کرده است. (نساء/ 43؛ اعراف/ 189؛ بقره/ 222؛ انبیا/ 91)

ج) نرمی و ملایمت در عین قاطعیت و شفافیت: سخنی که با نرمی و عطوفت همراه باشد, همچون آهنگی گوشنواز، دلنشین و تأثیرگذار است, چرا که عواطف و احساسات مخاطب را به هدف تأثیرگذاری در وی, به کمک میگیرد. از اینرو خدای متعال, به موسی علیه السلام و هارون علیه السلام توصیه نمود که با فرعون به نرمی سخن گویند شاید که حق را بپذیرد: « فقولا له قولاً لیّناً لعلّه یتذکّر أو یخشی » (طه/ 44) نیز بدین جهت, قرآن کریم, راز موفقیت شگفتانگیز رسول گرامی خدا را در جذب افراد, قلب مهربان او میداند که در سیره و سخن حضرت, نمود یافته بود.
( آل عمران/ 159)

با این همه, ملایمت در سخن, آن گاه ارزشمند است که با قاطعیت و شفافیت همراه گردد, چرا که نرمی گفتار, ابزاری است برای القای نیکوتر حق و آنگاه که موجب زیر پا نهادن بخشی از حق گردد, دیگر ارزش نخواهد داشت, بلکه جلوهای از نفاق و تظاهر, و گونهای از مداهنه و چاپلوسی خواهد بود.

د) استواری و سنجیدگی: از ویژگی های سخن شایسته, استواری و سنجیدگی آن است. قرآن کریم در این باره میفرماید: « یا أیّها الذین آمنوا اتّقوا ا و قولوا قولاً سدیداً, یصلح لکم أعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم » «سدید» از ریشة «سد» و به معنای« محکم، استوار و خللناپذیر» است و « قول سدید» سخنی است که چونان سدی محکم, جلوی امواج فساد و باطل را بگیرد و موافق حق و واقع و به دور از گناه باشد. سنجیدگی و استواری سخن, در واقع برایند وجود عناصری چند در گفتار است که از آن جمله است: اندیشیدن پیش از تکلم, آگاهانه سخن گفتن (بقره/ 113؛ انعام/ 143 ؛ اعراف/ 33 و 187؛ حج/ 3 و 8 ؛ طه/ 51 و 52), و نیز رعایت عدالت, انصاف و حقگرایی به ویژه در مقام داوری (نساء/ 135؛ انعام/ 115 و 152) ( فضل ا ،1380: 121-154).

موانع برقراری گفتگوی موثر:

گفتگوی مؤثر, نیازمند آراستن سخن به عناصر پیشگفته و پیراستن آن از موانعی چند است که مورد بررسی قرار میگیرد:

- ارتباط یکسویه در فضای گفتگو:

از آداب گفتگو آن است که هر یک از طرفین, به دیگری اجازه ی سخن گفتن و اظهار نظر بدهد و با

پرگویی وی را به سکوت وادار نکند. این کار, برخاسته از میل و شهوت یا غرور و نخوت است و ارتباط سازنده و مؤثر را دچار مشکل و حتی ناممکن میسازد. از اینرو، در آموزههای دینی تأکید میشود که آدمی در فضای گفتگو, بر گوش دادن بیش از سخن گفتن, علاقه نشان دهد.

- شروع از نقاط منفی (انتقاد گزنده):

گفتگو را نباید با سرزنش و انتقاد آغاز کرد, چرا که این کار میتواند شخصیت مخاطب را جریحه دار سازد و پذیرش انتقاد و ادامه ی ارتباط را نیز با مشکل مواجه کند. بنابراین حتی در صورتی که موضوع اصلی سخن, انتقاد از مخاطب باشد, نخست لازم است به نقطه یا نقاط مثبتی اشاره شود و انتقاد با ستایش, همراه گردد (توبه/ 43) افزون بر انتقاد سازنده شرایط دیگری نیز دارد که از آن جمله است:

ـ انتقاد, نباید گزنده و توأم با سرزنش زیاد باشد, چرا که در این صورت, تنها شعلههای لجاجت مخاطب را برمیافروزد.

ـ تکرار بیش از حد انتقاد نیز از تأثیر آن میکاهد و بذر کینه و دشمنی را در دل مخاطب میافشاند.

ـ انتقاد از مخاطب در حضور دیگران, معمولاً موجب تخریب شخصیت وی شده و نتیجه ی معکوس دارد.

- ستایش افراطی مخاطب:

همان گونه که انتقاد گزنده, مانع برقراری ارتباط مؤثر است ستایش افراطی مخاطب نیز گاهی مشکلساز است. چرا که مخاطب احساس میکند ستایش فراتر از حد او, نوعی مجامله و چاپلوسی یا ابزاری برای فریب و اغفال و در نتیجه وادار کردن وی به پذیرش یک کار یا مطلب است. از اینرو, بسیاری از افراد, در برابر ستایش خود, حالت تدافعی میگیرند. (بولتون، 1381: 45 ) بدین جهت و نیز به دلیل آثار نامطلوب که این کار بر روحیه و اخلاق مخاطب بر جای مینهد, در آموزه های دینی, نهی و نکوهش شده است.

- گفتگوی آمرانه و منفعلانه:

از نظر چگونگی برقراری گفتگو, افراد را میتوان به سه گروه تقسیم کرد: نخست انسان های «پرخاشگر» و متکبر, که در سخنان خود, پیوسته از دستور, تهدید, ارعاب و تحقیر استفاده میکنند, نیازها و تمایلات خود را همیشه حق و مهم تر از نیازها و خواسته های دیگران میدانند. روشن است که این کار, شیوه ی گردنکشان و مستکبران (اعراف/ 123 و 124؛ طه/ 71؛ زخرف/ 51 و 54) و مانع برقراری ارتباطی صمیمی و مؤثر است.

گروه دوم: افراد «منفعل» که شخصیت خویش را دست کم گرفته و خواستهها و نیازهای خود را از خواست و نیاز دیگران, بیاهمیتتر میپندارند. آنان معمولاً با صدایی ملایم سخن میگویند و با تبسم های زیاد و انفعالی, خودداری از تماس چشمی و عذرخواهی فراوان از سخنان خود, بیشتر شنوندة حرف های دیگران

هستند و در سخن خود نیز, متکی به رأی آنان. این حالت, افزون بر آن که تأثیرگذاری ارتباط را به حداقل میرساند, عزت نفس و شخصیت گوینده را در نظر دیگران, خدشهدار میسازد و آدمی را از رسیدن به خواسته های بحق خویش باز میدارد.

گروه سوم: افراد «قاطع» هستند که ضمن احترام به حقوق و شخصیت دیگران, خواسته های خود را نیز با قاطعیت همراه با آرامش و ادب مطرح میسازند (وود، 1379: 162) بر این اساس, ارتباط مؤثر, نیازمند آن است که گفتگوها, نه آمرانه و نه منفعلانه, بلکه با قاطعیت و ابراز وجود توأم با احترام باشد (قصص/ 25 و 28؛ مریم/ 42 و 48).

- خودنمایی در بیان:

خودنمایی و فضلفروشی در سخن, ارتباط مؤثر را غیر ممکن میسازد, زیرا مخاطب, این احساس را پدید میآورد که گوینده, خود را از نظر سطح دانش و خرد یا پایگاه اجتماعی, در مقامی برتر و مخاطب را فردی کمخرد و فرودست میداند (وود ، 1379: 43) خودستایی در واقع برخاسته از غرور خود برتربینی است که ریشه در نبود شناخت صحیح از خویشتن دارد, از اینرو, قرآن کریم میفرماید: « فلاتزکّوا أنفسکم هو أعلم بمن اتّقی » (نجم/ 32)

- مجادله:

بگو مگو و جر و بحث های بیحاصل, از مهم ترین موانع ارتباط گفتگوی مؤثر است که آموزه های دینی, با عنوان های «جدال» و «مراء» (مکارم شیرازی، 1363: 16/299ـ300؛ برومند، 1380: 94 و 113) نکوهش و بازداشته شده است. این کار, که غالباً ناشی از خود بزرگ بینی و برتریجویی به هدف محکوم کردن و شرمنده ساختن مخاطب است, وی را نیز به جدال و لجبازی میکشاند. از اینرو, آدمی حتی در صورتی که اطمینان دارد حق با اوست باید از پافشاری بیش از حد بر آن که به جدال میانجامد.

- پرسشگری منفی:

کارکردهای اصلی «پرسش» به عنوان یک مهارت اجتماعی, فراوان و گوناگون است .(هارجی، 1377: 113ـ114), از آن جمله کسب اطلاعات (به عنوان مهم ترین کارکرد), سنجش میزان دانش پاسخ دهنده (بقره/ 31), تشخیص مشکلات طرف مقابل (قصص/ 23) ، تعیین نگرش ها, احساسات و عقاید وی (عنکبوت/ 61 و 62 ؛ لقمان/ 25؛ زخرف/ 87) ، ابراز علاقه به مخاطب (طه/ 17), تشویق تفکر انتقادی و ارزیابی (اعراف/ 195؛ شعراء/ 72 و 73؛ قمر/ 22 و 32), تشویق به مشارکت بیشتر در بحث (آل عمران/ 159؛ نمل/ 32), و انتقاد و بازخواست (توبه/ 43؛ حجر/ 92؛ نحل/ 93؛ صف/ 2). در کنار این عناصر, گاه پرسش هایی نادرست, غیر مفید و یا به انگیزههای ناسالم مطرح میشود که فرایند ارتباط را نیز, دچار مشکل میسازد ، از اینرو، در آموزه های دینی, نکوهش شده است. برخی از این گونه پرسش ها عبارتند از:

- پرسش از مسائلی که هیچ گونه سود قابل توجهی ندارد و تنها موجب اتلاف وقت و انرژی افراد است (کهف/ 22)

- واکاوی آنچه دانستن آن, زیانبار است. (مانند اصرار بیمار برای آگاهی از بیماری درماناپذیر خود, سؤال از آلودگی افراد, اطلاعات سری و....)

- تجسس در امور شخصی دیگران (حجرات/ 12)

- پرسش تمسخرآمیز (هود/ 87 ؛ زخرف/ 52)

- پرسش به هدف خودنمایی, فضلفروشی و یا تخریب شخصیت مخاطب.

- بهانهتراشی و ماجراجویی در قالب سؤالات بی جا (ر.ک: بقره/ 67 و 108).

فواید گفتگوی مسلمانان بر اساس معیارهای قرآنی :

1- مقابله با دسیسه های دشمنان امت اسلامی:

اسلام دینی است که برتری را به تقوی می داند و نه ملاک های دیگر همچنان که همه مسلمانان را با یکدیگر برادر می خواند و هیچ گروه و مذهب و طایفه ای را استثنا نمی کند. مسلما گفتگوی میان مسلمانان بر اساس معیارهای قرآنی ذکر شده ، یکی از بهترین راه های مقابله با دسیسه های دشمنان در ایجاد تفرقه بین آنها می باشد. مقام معظم رهبری یکی از عوامل گرایش به فرقه گرائی و در نتیجه عدم تحقق انسجام اسلامی را دسیسه های دشمنان امت اسلامی در راه قومیت ، مذهب و طایفه گری می دانند و می فرمایند:

« البته دشمن هم بیکار نمیماند و از ابزارهای قدیمی تفرقهانگیز استفاده میکند؛ از قومیت ها، مذهب و طایفهگری استفاده میکند و موضوعاتی را که اسلام تأکید کرده که عمده نشوند، آنها را عمده میکند. اسلام تأکید کرده است که قومیت ها، ملاك تشخص و هویت نیستند؛ «انّ اکرمکم عندالله اتقاکم». اسلام تأکید کرده است که برادران مسلمان باید با هم برادرانه رفتار کنند؛ نگفته است برادرانی که سنیاند یا شیعهاند یا فلان مذهب دیگر را دارند، بلکه گفته است که مسلمانان «انّما المؤمنون اخوة» هستند. هر کسی به این کتاب و به این قرآن و به این دین و به این قبله اعتقاد دارد، مؤمن است؛ این ها با هم برادرند؛ اسلام این را به ما گفته است. اما ما خنجرها را پشت سر مخفی میکنیم برای زدن به سینهی برادران. در همهی بخش ها هم مقصرینی هستند. با این ها باید مقابله کرد. » (خامنه ای ، 1381، ص58)

مقام معظم رهبری مهم ترین دلیل ایجاد کشور اسرائیل وغصب ظالمانه فلسطین را همین مسئله قومیت و نژاد می دانند ومی فرمایند:

« امروز وحدت مسلمانان با ایجاد تفرقههای مذهبی، فرقهای، نژادی، ناسیونالیسم های گوناگون، قومیت های مختلف و شعارهای انحرافی، مخدوش شده است. مسلمانان برفراز همه شعارهای خود - چه شعار

قومیّت، چه شعار مذاهب اختصاصی خودشان، چه شعارهای مربوط به سیاست های خودشان - باید شعار وحدت و یکپارچگی امّت اسلامی را قرار دهند. امروز برای آنها یکی از کارآمدترین شعارها این است. میدانیم که استعمار و استکبار و دست قدرت های بیگانه همیشه سعی کرده است با انواع و اقسام حیَل، این وحدت را درهم بشکنند؛ که یکی از خبیثترین حیلهها، حیله غصب سرزمین فلسطین و کاشتن شجره خبیثه صهیونیسم در سرزمین اسلامی فلسطین بوده است. » (خامنه ای ، 1381، ص61)

شاید قدیمی ترین ومهم ترین حربه تفرقه افکنان در طول تاریخ اسلام، ایجاد جنگ بین مذاهب اسلامی ونفرت آنها از یکدیگر باشد. این کار تا آنجا اهمیت یافته است که بودجه های کلان برای انتشار مطالب تفرقه انگیز برعلیه هر دو دسته اختصاص می دهند واز هیچ کوششی دراین راه فروگذار نمی کنند. مقام معظم رهبری نسبت به این قسمت مهم از دسیسه های دشمنان امت اسلامی، نیز هشدارهای جدی و محکمی بیان فرموده اند:

« امیرالمؤمنین را مایهی اختلاف بین شیعه و سنی و فرقه های اسلامی قرار ندهید. امیرالمؤمنین نقطهی وحدت است، نه نقطهی افتراق. برادران و خواهران ما در سرتاسر کشور به این حرف اطمینان کنند. اطلاعات ماها از حوادث خیلی زیاد است. من بعیان میبینم دست های بسیار فعالی درکارند برای ایجاد اختلافات مذهبی؛ جنگ شیعه و سنی؛ نفرت مذاهب اسلامی از یکدیگر. کتاب نوشته میشود علیه شیعه، کتاب نوشته میشود علیه سنی. وقتی دنبال میکنیم، میبینیم پول هر دوی این کتاب ها از یکجا آمده است. هر مذهبی عقاید و استدلال خود را دارد. در پشت میز استدلال و مباحثه، هرکس توانست غالب بشود، غالب بشود؛ اما فضای جامعه را نباید فضای جنگ و منافرت قرار داد. » (خامنهای ، 1381، ص64)

ایجاد فرقه گرایی دربین مسلمین و بویژه جنگ شیعه و سنی تا آنجا برای دشمنان اهمیت دارد که ممکن است حتی در مراسم های عبادی بزرگ کسانی را برای این کار اجیر نمایند و مسائل تفرقه انگیز را بزرگ جلوه نمایند. مقام معظم رهبری این ترفند دشمنان را چنین توصیف می فرمایند:

« امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و امریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. در حج، فرصت خوبی برای آنهاست تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدساتِ این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوباتِ او اهانت کند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همهی دوران سال و در همهی میدان ها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی امریکاست. » (خامنه ای ، 1381، ص68)

در زمینه ضربه زدن به وحدت وانسجام اسلامی در مراسم عبادی حج و تقویت گرایش به فرقه گرایی بین مسلمین در اثر دسیسه های دشمنان امت اسلامی ، مقام معظم رهبری مسئله را به صورت مبسوط تر چنین بیان می فرمایند:

« این حج، مظهر این قرآن است. ایمان خالصانه مؤمنین طول تاریخ اسلام، از این قرآن ناشی شدهاست؛

این را باید قدر دانست. مثل همه ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. اینهایی که می‌بینید در مراسم حج دنبال اختلاف‌افکنی، فتنه‌انگیزی و ترویج افکار موهوم و متحجّر خود هستند، همان سرانگشت های دانسته یا نادانسته‌ای هستند که این ذخیره را نابود می‌کنند. » (خامنه ای ، 1381، ص69)

دسیسه های مغرضانه دشمنان در ایجاد فرقه گرایی در امت اسلامی چنان حساب شده است که گاهی اوقات از افراد ناآگاه برای این امر استفاده می کنند. مقام معظم رهبری این ترفند را چنین بیان می کنند:

« گاهی دشمن برای ایجاد اختلاف - هم در بین شیعه، هم در بین سنّی - از آدم هایی که غرض و مرضی ندارند، استفاده می‌کند. در جامعه شیعه حرکتی انجام می‌گیرد که برای برادر مسلمانِ غیر شیعه تحریك کننده و حسّاسیت برانگیز است. عین همین عمل، در بین جامعه سنّی انجام می‌گیرد، نسبت به کاری که برای شیعه حسّاسیت برانگیز و نفرت برانگیز است. چه کسی این کارها را می‌کند؟! امروز دشمن واحدی در مقابل ماست؛ علاوه بر اینکه کتابِ واحد، سنّتِ واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حجِّ واحد، عباداتِ واحد، اصولِ اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هر دو نفر عالِم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسأله اتّحاد بین مسلمین یك امر جدّی است. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یك روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حسّاس است که در یك عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود. » (خامنه ای ، 1381، ص72)

استکبار جهانی در درون کشورهای مسلمان ، افرادی دارد که حاضرند برای رسیدن به اهداف خود هرکاری انجام دهند ویکی از مهم ترین این کارها تفرقه انداختن بین مسلمین در اثر گرایش به فرقه گرایی، می باشد. مقام معظم رهبری این دسیسه ها را چنین بررسی می فرمایند:

« متأسّفانه در دنیای اسلام کسانی هستند که برای تقرّب به امریکا و مراکز قدرت های استکباری حاضرند تن به هر عمل خلافی بدهند و بین شیعه و سنّی اختلاف بیندازند. من امروز دست هایی را که در برخی از کشورهای همسایه ما عمداً و حساب‌شده در پی ایجاد اختلاف بین شیعه و سنّی هستند و قومیت ها و مذاهب را از هم جدا می‌کنند و جریان های سیاسی را به جان هم می‌اندازند، تا بتوانند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و منافع نامشروع خود را در کشورهای اسلامی تأمین کنند، می‌بینم. باید هوشیار باشیم. ملت ها، دولت ها، همه مسلمانان، جریان های سیاسی، روشنفکران و برجستگان باید هوشیار باشند و نگذارند دشمن به بهانه‌های مختلف در ایجاد اختلاف موفّق شود. » (خامنه ای ، 1378، ص 119)

یکی از مهم ترین دسیسه های دشمنان امت اسلامی در ایجاد فرقه گرایی و در نتیجه ایجاد خدشه به انسجام اسلامی ، ایجاد دعواها و مجادلات رسانه ای و مطبوعاتی در کشورهای مسلمان بر علیه فرق و مذاهب دیگر می باشد. مقام معظم رهبری این عامل مهم را به شکل زیر بیان می فرمایند:

« اگر امروز مطبوعاتیککشور شروعبهحملهبهیکمذهباز مذاهباسلامیکنند، و مطبوعاتکشور دیگر نیز متقابلا

بهمذهبآنها حملهنمايند ـ يعنيهمينددعواهايسياسيرا در قلمرو فكر مذهبيو دينيوارد كردن، و با پشتوانهيفكر و تعصبديني، گروه ها را بهجانهمانداختنـ اينبزرگترينمانعاستبرايا ينكهمسلمين، بهفكر سيادتاسلامجامهيعملبپوشانند و بتوانند آنرا تحققببخشند. » (خامنه ای ، 1381، ص74)

توطئه قدیمی و خطرناک ایجاد اختلاف میان مذاهب اسلامی و سابقه و تبحر طولانی انگلیس در این خصوص از دیدگاه مقام معظم رهبری قابل ملاحظه است:

« اتحاد مسلمانان و امت واحد اسلامی، برای مستکبران طمع ورز، بسیار نگران کننده است بنابراین امروز علاوه بر انگلیس، دستگاه های اطلاعاتی امریکا و صهیونیست ها نیز همه تلاش خود را برای جلوگیری از وحدت مسلمانان به کار گرفته اند.» (خامنه ای ،1378، ص 121)

مقام معظم رهبری با درایت منحصر به فرد خود ، نقش مفسدان جوامع اسلامی و افرادی که در دام آنها می افتند را گوشزد می فرمایند:

« امروز دنیای اسلام مجروح است و مفسدانی که با همه مسلمانان و با اصل امت اسلامی دشمن هستند با تشدید اختلافات قومی و فرقه ای نظیر شیعه و سنی و عرب و عجم ، درصددند بخش های مختلف جهان اسلام را مقابل یکدیگر قرار دهند و متأسفانه برخی در این دام خطرناک می افتند.» (خامنه ای ، 1381، ص78).

2- كاهش تعصب قومي و تقليد كوركورانه:

تعصبات شخصي، مذهبي و گروهي از جمله عوامل مهم گرايش به فرقه گرايی است. انسان متعصب به صرف وابستگي مذهبي، ملي و گروهي و بدون دليل و برهان و به صورت افراط گونه به حمايت يا نكوهش حزب، فكر و يا مذهب ديگري مي پردازد و جز جناح و عقيده خويش همه آراء و ديدگاه ها را باطل مي شمارد. شخص متعصب بيشتر به كسي مي ماند كه به تنهايي در خانه اي از جنس آيينه زندگي مي كند و به هر سمت كه رو كند، جز خويشتن كسي را نمي بيند. قرآن در وصف مشركان مي فرمايد: « و چون به آنان گفته شود از آن چه خدا نازل كرده است پيروي كنيد مي گويند: بلكه از چيزي كه پدران خود را بر آن يافتيم پيروي مي كنيم. آيا هر چند پدرانشان چيزي را درك نمي كردند و به راه صواب نمي رفتند ]باز هم در خور پيروي هستند.»

اساساً آموزه هاي اسلام با تعصب سر سازگاري ندارد و هركس كه تعصب بورزد تا ديگران به خاطر او تعصب بورزند، رشته هاي ايمان را از گردن خود باز كرده است . با اين حال چگونه مي توان پذيرفت كسي كه ادعاي اسلام و ايمان مي كند و با تعصب كوركورانه نسبت به مليت و مذهب و عقيده خويش، بذر اختلاف را بين جوامع اسلامي مي كارد؟ مقام معظم رهبری با درایت خاص خود این مساله را مطرح نموده و راه حل آن را نیز در این فراز از بیانات خود مطرح کرده اند:

« چه فایدهیی دارد که در داخل جامعهی اسلامی، مسلمانان از مذاهب مختلف، روبهروی هم بایستند و به همدیگر ضربه بزنند؛ از آن طرف هم دشمن بیاید، هر دوی اینها را محاصره کند، سرشان را به هم

بکوبد و خودش بنشیند، تماشا و استفاده بکند؟ این، خوب است؟ اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند؛ سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟! ما چنین چیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهبت را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند؛ هم چنان که بحمداللّه در دوران انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات این ها سوءاستفاده کند. » (خامنه ای ، 1387، ج2، ص140).

3- مبارزه با جهل ، خرافات و بدعت ها:

تحجرگرايي مانع از تفكرگرايي و خردورزي است و آثار زيان‌باري را در پي دارد كه هريک از اين آثار به‌ نحوي، زمينه و بستر گرايش به فرقه گرايی را فراهم مي‌سازند . تحجر نقطه‌ مقابل تفقه ديني است، چون منشاء آن جمودي است كه عقل را منكوب و انديشه را منجمد مي‌كند، آدمي را از انديشيدن و تفكر ديني باز مي‌دارد و شناخت ديني را سطحي مي سازد. منشاء ترويج فرقه گرايی در اين قسمت ، خرافه‌گرايي است ، چرا كه شناخت سطحي از دين، اخباري‌گري را پديد مي آورد و به آساني فرقه گرايی، تحقق مي يابد و عوامي كه شناخت‌شان از دين سطحي است، جذب آن مي شوند. هم چنين در ظواهر دين ماندن و از عمق نگري در حقايق ديني بازماندن، منشاء برداشت هاي متفاوت و گاه متضاد از دين است و هركدام از اين ها مي تواند منشاء فرقه گرايی باشد.

از دیدگاه مقام معظم رهبری ضرر افراد جاهل در بسیاری از اوقات از ضرر افراد مغرض بیشتر است و ایشان در یک نتیجه گیری هوشمندانه در زمینه فرقه گرایی و خدشه دار کردن اتحاد وانسجام اسلامی ، مغرض وجاهل را در نتیجه ی عمل یکسان می دانند:

« وقتی می‌گوییم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی، برای هدف های اسلامی اتحاد باشد، پس به طریق اولی، قشرهای مختلف مردم فداکار و مبارز ایران، اهل هر شهر و استانی، متکلمان با هر زبان و لهجه‌یی هستند، موظفند وحدت را حفظ کنند . مبادا دست های تفرقه‌افکن و مغرض و یا نادان که گاهی ضرر آدم های نادان از آدم های مغرض کمتر نیست ، با حرف و شعار و نطقی، ایجاد اختلاف کنند. مغرض و جاهل، در نتیجه‌ی عمل یکسانند. همه مخصوصاً کسانی که زبان و حنجره‌شان برای گفتن و حرف زدن باز است ، مراقب باشند با هیچ حرکت و اشاره‌یی، موجب اختلاف بین مردم نشوند. همه باید وحدت را بر محور اصول انقلاب و جریان صحیح نظام اسلامی و ولایت فقیه حفظ کنند. » (خامنه ای ،1380، ص 80)

4- رفع برداشت هاي سوء از انديشه هاي ساير مذاهب:

یکی دیگر از عوامل مهم گرایش به فرقه گرایی در بین مسلمانان از دیدگاه مقام معظم رهبری ، کج فهمی و بی اطلاعی مسلمانان از عقاید یکدیگر است:

« چيزهايي مانع از اتحاد مي شود. عمده آنها بعضاً كج فهمي ها و بي اطلاعي هاست؛ از حال هم خبر نداريم؛ درباره هم توهمات مي كنيم؛ درباره عقايد هم، درباره تفكرات يكديگر دچار اشتباه مي شويم؛ شيعه درباره سني، سني درباره شيعه؛ فلان ملت مسلمان درباره آن ملت ديگر، درباره همسايه اش؛ سوء تفاهم ها، كه دشمنان هم بشدت بر اين سوءتفاهم ها دامن مي زنند. افرادي هم متأسفانه بر اثر همين سوء فهم، سوء تحليل، نديدن نقشه كلي دشمن، بازيچه اين بازي دشمن قرار مي گيرند... »(خامنه ای ، 1387، ج1، ص121)

مقام معظم رهبری تنها راه حل رفع این سوء تفاهم ها را که مسلما راه حل گرایش به فرقه گرائی نیز محسوب می شود ، تنظیم منشور وحدت اسلامی می دانند:

« علاج اصلي، داروي اصلي براي امروز دنياي اسلام، داروي «اتحاد» است؛ بايد با هم متحد بشوند. علما و روشنفكران اسلام بنشينند و منشور وحدت اسلامي را تنظيم كنند؛ منشوري تهيه كنند تا فلان آدم كج فهم متعصب وابسته به اين، يا فلان، يا آن فرقه اسلامي، نتواند آزادانه جماعت كثيري از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام كند؛ تكفير كند. تهيه منشور جزو كارهايي است كه تاريخ، امروز از روشنفكران اسلامي و علماي اسلامي مطالبه مي كند . مي بينيد تلاش آنها را براي نابود كردن هويت اسلامي و ايجاد اختلاف بين امت اسلامي ! بنشينيد علاج كنيد؛ اصول را بر فروع ترجيح بدهيد. مشتركات بزرگي وجود دارد؛ گرد اين محور - محور مشتركات - همه مجتمع شوند. مواظب توطئه دشمن باشند؛ مواظب بازي دشمن باشند. خواص، بين خودشان بحث هاي مذهبي را بكنند، اما به مردم نكشانند؛ دل ها را نسبت به يكديگر چركين نكنند؛ دشمني ها را زياد نكنند؛ چه بين فرقه هاي اسلامي، چه بين ملت هاي اسلامي، چه بين گروه هاي اسلامي در يك ملت.» (خامنه ای ، 1387، ج1، ص130)

5- جلوگیری از رو در روئی مذاهب با یکدیگر:

یکی دیگر از عوامل فرقه گرائی که اساسا به اقدامات دشمنان امت اسلامی مربوط می شود و متاسفانه مسلمانان نیز در دام این توطئه ها افتادند ، قرار دادن فرق و مذاهب اسلامی دربرابر یکدیگر است که از نظر مقام معظم رهبری عواقب وخیمی برای جهان اسلام دارد:

« ما از تكه تكه شدن سودی نمي بريم. ما از دشمنی با يكديگر سودی نمي بريم. ما از تشديد اختلافات قومی، فرقه‌ای، شيعه و سنی، عرب و عجم سودی نمي بريم. امت اسلامی يك مجموعه‌ی عظيم است با امكانات بسيار، با سرمايه‌های بسيار؛ اما دنيای غرب ما را تكه‌پاره كرده است، ما را در مقابل هم قرار داده است. قوميت های ما را سلاحی برای برخورد با برادران مسلمان قرار داده است و ما هم نادانسته و جاهلانه، اين توطئه و اين ترفند را پذيرفتيم و در اين دام قرار گرفتيم. بايد به خود بيائيم.» (خامنه ای ، 1387، ج3، ص33).

6- کاهش تاثیر دولت های وابسته به شرق و غرب :

مقام معظم رهبری با برشمردن ضرورت تلاش مسلمین برای عزت واستقلال و پیشرفت علمی ومعنوی خود، وجود دولت های متکی به بیگانگان را مضر دانسته و اتکای آنها به امت اسلامی را به نفع خود دولت ها نیز ارزیابی می فرمایند:

« آنچه براي استكبار مهم است، اسلام است. مي خواهند اسلام را بزنند؛ اين را همه بايد بفهميم. براي آنها شيعه و سني فرق نمي كند. هر ملتي، هر جمعيتي، هر شخصيتي كه تمسكش به اسلام بيشتر باشد، آنها از او احساس خطر مي كنند... امروز دنياي اسلامي بايد براي عزت خود تلاش كند؛ براي استقلال خود تلاش كند؛ براي پيشرفت علمي و قدرت معنوي خود، يعني تمسك به دين و توكل به خدا و يقين به كمك خدا تلاش كند. «و عداتك لعبادك منجزه». اين وعده الهي است؛ وعده منجز الهي است كه «و لينصرن ا... من ينصره». با اعتماد به اين وعده، وارد ميدان تحرك و عمل بشوند. اين عمل، فقط تفنگ دست گرفتن نيست؛ اين عمل، عمل فكري است، عمل عقلاني است، عمل علمي است، عمل اجتماعي است، عمل سياسي است؛ همه براي خدا و همه در راه اتحاد دنياي اسلام. از اين، هم ملت ها منتفع مي شوند، هم دولت هاي اسلامي. دولت هاي اسلامي اگر متصل به درياي بي كران امت اسلامي باشند، قوي تر خواهند شد، تا متكي باشند به سفير آمريكا و فلان سياستمدار آمريكايي. اين، براي آنها قدرت نمي آورد. اما اگر دولت هاي اسلامي به دنياي اسلام، به امت اسلامي و به اين درياي عظيم و خروشان متصل شوند؛ به هم نزديك شوند، چرا استكبار بتواند يك دولت اسلامي را هدف قرار بدهد و او را از ديگران جدا كند؛ به حساب او برسد، بعد برود سراغ يك دولت ديگر؟ همه بايد به اين مسأله توجه كنند. دولت هاي اسلامي، متحد و منسجم باشند و بدانند كه مي توانند.» (خامنه ای، 1387، ج6، ص155)

ایشان در فرازی دیگر از بیانات خود با هشدار به مسلمانان نسبت به وضعیت عقب ماندگی اقتصادی و علمی و سیاسی ، یکی از عوامل دور شدن از اسلام را وجود دولت های دست نشانده می دانند:

« ای مسلمانان عالم! در هر جای دنیا که هستید، اگر با هم دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان و دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز است، تفاوت خواهد کرد. امروز، دچار تشتت و ضعف و عقب‌ماندگی هستید. کشورهای اسلامی غالباً یا عموماً ، فقیر و وابسته و اسیرند. دشمنان اسلام می‌خواهند اسلام را از میان کشورهای اسلامی بِزور بیرون برانند. قلب آحاد مردم مسلمان، با اسلام و خداست ، آنها به اسلام علاقه‌مندند. قدرت های بزرگ جهانی سعی می‌کنند به‌وسیله‌ی دولت های دست‌نشانده، مردم را از اسلام دور نمایند. اگر شما با هم باشید و با هم دعوا نکنید و نیروی خود را که عنصر عظیمی است و برای بهتر کردن دین و دنیاتان، می‌شود از آن استفاده کنید، علیه یکدیگر مصرف نکنید، اهداف پلید دشمن محقق نخواهد شد.» (خامنه ای ، 1387، ج4، ص77).

7- آگاهی از سیاست هاي استكبار و پرهيز از اختلافات جزيي:

مقام معظم رهبری سیاست های استکبار جهانی در قبال امت اسلامی را تا حد زیادی ناشی از موقعیت جغرافیایی و سیاسی کشورهای مسلمان می دانند و مقابله و تعرض وترسیدن از همدیگر را که ریشه در فرقه گرائی دارد، نتیجه این سیاست ها برای امت اسلامی قلمداد می کنند:

« امت اسلامی تنها به این جرم که چون در يك نقطهی ثروتمند دنیا قرار گرفته است، چون گردش چرخ تمدن کنونی دنیا متوقف برامکاناتی است که در این نقطه از دنیا بوفور موجود است، مورد طمع و دستاندازی قدرت ها قرار گرفته که در این راه هرگونه جنایتی را برای خودشان مجاز مىشمارند؛ این وضع امت اسلامی است! آیا امت اسلامی در مقابل این دستاندازی قدرتمندانه نمىتواند از خود دفاع کند؟ جواب این است که چرا، ما مىتوانیم دفاع کنیم؛ ما ابزارهای زیادی را برای دفاع از حق و موجودیت خود در اختیار داریم. ما جمعیت بزرگی هستیم؛ ما ثروت عظیمی داریم؛ ما انسان های برجسته و سرمایهی معنویی داریم که به مردم ما قدرت ایستادگی در مقابل زورگویان را مىدهد؛ ما فرهنگ و تمدن باسابقهیی داریم که در دنیا کمنظیر است؛ ما خیلی امکانات داریم، بنابراین بالقوه مىتوانیم دفاع کنیم. اما چرا دفاع نمىکنیم؟! چرا عملاً در میدان، کاری از ما برنمىآید؟ چون با هم متحد و یکی نیستیم؛ چون به بهانههای گوناگون ما را از هم جدا کردهاند. لشگر منظمِ عظیم و مجهزی به نام امت اسلامی را به گروههایی که همّ و غمّشان مقابله و مبارزهی با هم و ترسیدن از هم و تعرض به هم و پنجهنزدن به صورت یکدیگر است، تقسیم کردهاند. در این شرایط، معلوم است که این لشگر کارآیی نخواهد داشت. امروز وقت آن رسیده است که دنیای اسلام بازنگری کند؛ بر روی مسألهی وحدت به جِد فکر کند.» (خامنه ای ، 1387، ج2، صص 173-177).

8- مقابله با بزرگ نمايي اختلافات در ميان گروه هاي اسلامي:

مقام معظم رهبری با تاکید بر موارد اتفاق بین مذاهب اسلامی و یادآوری تاسیس موسسه تقریب مذاهب اسلامی ، بزرگ نمائی اختلافات را عاقلانه نمی دانند و اتحاد و عدم تفرقه بین مسلمین را مایه عزت وسربلندی آنها می دانند:

« يك ميليارد انسان در دنیا هستند که دربارهی خدا و پیامبر و نماز و حج و کعبه و قرآن و بسیاری از احکام دینی، با هم يك عقیده دارند؛ يك چند مورد اختلاف هم دارند. اینها بیایند همان چند اختلاف را بگیرند، با هم بجنگند، تا آن کسی که با اصل خدا و پیامبر و دین و همه چیز مخالف است، کار خودش را انجام بدهد. آیا این عاقلانه است؟! ... ما گفتیم يك عده از علما و متفکران دور هم بنشینند و در سطح علمی و فرهنگی، برای تقریب و نزدیك کردن، مؤسّسةالتّقریب بینالمذاهبالاسلامیّة را به وجود آورند. چهار مذهب فقهی در اهل سنت هست، مذهب امامیه هست، مذهب زیدیه هست، مذاهب دیگر اسلامی هستند. اینها بنشینند ببینند، در مسایل علمی و دینی، چهقدر مىتوانند با یکدیگر همکاری و کار کنند. ...اگر مسلمین دست در دست هم بگذارند و با هم صمیمی باشند، ولو عقایدشان مخالف با یکدیگر

باشد، اما آلت دست دشمن نشوند، دنیای اسلام سربلند خواهد شد. آن وقت، مگر امریکا و غیرامریکا جرأت می‌کنند که به دنیای اسلام بیایند و یک‌جا را پایگاه قرار بدهند و منافع کشورهای اسلامی و ملت های مسلمان را تهدید کنند؟»(خامنه ای ، 1387، ج5، ص66).

9- جلوگیری از افراط گرایی:

از دیدگاه مقام معظم رهبری ، افراط گرایی و اهانت به عقاید ومقدسات مذاهب دیگر به فرقه گرایی می انجامد و به هیچ وجه قابل دفاع نیست. ایشان به جای این مواضع غیر اصولی وغیر عقلانی ، کمک به ایجاد محبت را پیشنهاد می کنند و وضعیت امروز مسلمانان را برای تفرقه و تشتت مناسب نمی دانند:

« ما به همه می‌گوییم که احترام یکدیگر را حفظ بکنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه‌ی عقیده‌یی بخواهد به مقدسات دیگران اهانت بکند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. محبت، طرفینی است. بایستی همه کمك کنند تا محبت به وجود آید و دشمن نتواند سوء استفاده بکند؛ دشمنی که نه با شیعه رابطه‌ی خوبی دارد و نه با سنی، بلکه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن کینه می‌ورزد. همان اسلامی که سنی یا شیعه دارد، مبغوض امریکا و مرتجعان است. اختلافات داخلی را برای آن زمانی بگذاریم که از طرف هیچ دشمنی تهدید نشویم. امروز، وقتِ این حرف ها نیست.» (خامنه ای ، 1387، ج3، ص120).

10- عدم نفی مذاهب اسلامی توسط یکدیگر:

مقام معظم رهبری با تعریف صریح وحدت اسلامی ، نفی مذاهب توسط یکدیگر را عاملی برای فرقه گرایی و اثبات مذاهب را عامل وحدت و انسجام می دانند:

« این قضیه اتّحاد مسلمین را همه فِرَق اسلامی چه شیعه و چه سنّی، چه مذاهب مختلف اهل سنّت و چه مذاهب شیعه باید جدّی بگیرند. مقصود این نیست که مذاهب، در یك مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتّحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی‌کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می‌کند. همین مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند.» (خامنه ای ، 1387، ج4، ص155).

11- کاهش خشونت هاي فرقه اي در سرزمين هاي اسلامي:

مقام معظم رهبری به درستی افزایش فعالیت های فرقه گرائی را که به تعبیر ایشان برادرکشی بین مسلمانان یکی از آنهاست ، مد نظر قرار داده معتقدند این فعالیت ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گسترده تر شده است:

« اگرچه استعمار از دیرباز، ایجاد تفرقه را جزو هدف هاي خود قرار داده بود؛ اما بعد از پيروزي

انقلاب و بعد از آن که این کانون وحدت اسلامي به وجود آمد، تلاش آمریکا و دستیاران آن، براي ایجاد تفرقه بین مسلمانان شدیدتر شد و برادرکشي را بین مسلمانان به وجود آوردند. امروز در سرتاسر آفاق اسلامي، قلم هاي مزدوري که با دلارهاي نفتي و پول کیسه مرتجعان هم پیمان آمریکا تغذیه مي شود، هدف و وظیفه شان این است که بین مسلمین اختلاف بیندازند. مي دانستند که چون انقلاب اسلامي جاذبه دارد و کانون این انقلاب، مسلمین را در همه نقاط عالم به خود جلب خواهد کرد، این خطر براي آمریکا و استکبار وجود دارد که سرمایه گذاري هاي آنها براي ایجاد تفرقه بین مسلمین هدر برود، لذا تلاششان را زیادتر کردند. امروز در دنیا، براي ساختن مسجد ضرار، پول خرج مي شود. براي ساختن دستگاه ها و ایجاد پایگاه هایي به مقصود و منظور ضربه زدن به وحدت اسلامي و ایجاد درگیري و اختلاف بین فرق اسلامي، پول خرج مي شود. اشخاصي مثل شیطان هستند که همان گونه که او به پروردگار عالم عرض کرد: «لاغوینهم اجمعین» این ها هم وجود خود را براي ایجاد اختلاف، وقف کرده اند. متأسفانه در همه و یا اغلب کشورهاي اسلامي، کساني با تکیه به سیاست هاي آمریکا، همین کار را مي کنند.» (خامنه ای ، 1378، صص 67-70).

12- مقابله با هواپرستي و عدم اخلاص:

در بسیاري موارد اختلافات افراد و گروه ها و مذاهب اسلامی، ظاهري علمي و فکري دارد اما در واقع امر جز هوي پرستي، خودپسندي و خودخواهي منشأ دیگري ندارد. اگر پذیرش و واگذاري مسئولیت ها، حمایت ها و راندن ها، پست ها و مقام ها همه در خدمت رضایت الهي باشد، نه خوشایندي خویشاوندان، هم مسلکي ها و هم حزبي ها و فقط در راستاي حل مشکلات جامعه اسلامي و امت واحده اسلام باشد، اتحاد حاصل مي شود. از همین روست که شیطان اختلاف افکن و تفرقه جو بر مخلصان راه تسلطي ندارد؛ چرا که خود اعتراف کرد که «لاغوینهم اجمعین الا عبادك منهم المخلصین» و به همین سبب است که پیامبر اعظم (ص) اخلاص عمل براي خداوند، در کنار خیرخواهي براي پیشوایان اسلام و ملازمت با جماعت مسلمین و جدا نشدن از آن را سه عنصري دانستند که قلب هیچ مسلماني نباید بر آنها خیانت کند. تقدم اخلاص عمل براي خدا بر دو عنصر دیگر در حدیث پیامبر اکرم(ص) نشانگر نقش محوري اخلاص در اتحاد و رفع اختلاف است.

مقام معظم رهبری نیز یکی از شرایط ایجاد اتحاد و انسجام اسلامی را همکاری مردم مومن و مخلص و شخصیت های علمی از سرتاسر جهان اسلام معرفی می کنند که در نتیجه به آفت فرقه گرایی نیز پایان خواهد داد:

« اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود: اول این که فِرَق گوناگون اسلامی (فِرَق سنی و فِرَق شیعه) که هر کدام فِرَق مختلف کلامی و فقهی دارند ، حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند. دوم این که فِرَق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیك کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را باهم مقایسه و منطبق

کنند. بسیاری از فتاوای فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهیِ عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوای دو مذهب به هم نزدیك شود. لذا ما جداً علاقهمند هستیم که «دارالتّقریب بینالمذاهب الاسلامیّه» را ایجاد کنیم. ما مایلیم این کار انجام بگیرد. احساس مکنیم که این کار باید انجام بگیرید و مردم مخلص و مؤمن و شخصیت های عالمی از همهی دنیای اسلام همکاری کنند. ما آماده هستیم و مایلیم که میزبان این مجموعه باشیم و زحمات و خدمت های این کار را برعهده بگیریم. علمای اسلامی باید کوشش کنند. فقها و متکلمین و فلاسفهی اسلامی بنشینند آراء را با یکدیگر تطبیق کنند و آنها را در مجموعه هایی جمع نمایند تا نظرات فِرَق مختلف اسلامی در مجموعهی واحد و با نگاه مساعد به یکدیگر، در اختیار همهی مسلمین قرار بگیرد. این، از جمله کارهای بسیار لازم و ضروری است و امیدواریم که همتِ صاحب همتان، این کار را به انجام برساند. » (خامنه ای ، 1387، ج2، صص 166-169).

13- مقابله با تكبر و خودپسندي:

تكبر آفتي اخلاقي است كه در گرايش به فرقه گرايی تأثير بسزايي دارد. خوي استكباري تنها متعلق به بيگانگان نيست بلكه بسياري از مسلمان نماها نيز داراي چنين روحيه اي هستند كه در صورت رسيدن به قدرت، ضررهايي بيش از مستكبران خارجي بر مسلمين وارد مي كنند. قرآن كريم روايت گر افراد و اقوامي است كه با روحيه استكباري خويش، خود و قوم خويش را گمراه كرده و زمينه اختلاف و چنددستگي را در مخاطبان دعوت پيامبران رقم زدند. افراد جامعه اي كه چنين خويي دارند، بهره اي از وحدت و انسجام نخواهند برد و جامعه به انحطاط كشيده مي شود .

مقام معظم رهبری حتی شکوه وحدت امت اسلامی را غیر از عظمت در راه ارزش های اسلامی وتوحید جایز نمی شمارند و مسئله تفاخر و تحقیر ملت های دیگر را رد می کنند:

« اینهایی که مبینید در مراسم حج دنبال اختلافافکنی، فتنهانگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجّر خود هستند، همان سرانگشت های دانسته یا نادانستهای هستند که این ذخیره را نابود مکنند و از بین مبرند. کسانی که نمگذارند شوکت و شکوه و عزّت و عظمت این وحدت به چشم امّت بزرگ اسلامی منعکس شود ، جزو کسانی هستند که این ذخیره را نابود مکنند. کسانی که نمگذارند وحدت و شکوه عظیم امّت اسلامی، آن هم در راه خدا نه عظمت به عنوان تفاخر، نه عظمت به عنوان استعمار و تحقیر دیگر ملت ها، نه عظمت به عنوان جنگافروزی علیه ضعفای عالم؛ بلکه عظمت در جهت ارزش های الهی و در راه توحید به دنیای اسلام منعکس شود، به بشریت ظلم مکنند. امروز دنیای اسلام براثر نادیده گرفتن این ذخیره عظیم الهی ضربه مخورد.» (خامنه ای ، 1387، ج5، ص110).

14- رفع حسادت و كينه ورزي:

در روابط ميان مسلمانان طبيعتاً اختلافات و كدورت هايي پيش مي آيد كه با بزرگ منشي، مسالمت جويي و عفو و گذشت قابل رفع است و برعكس كينه ورزي موجب افزايش شكاف و تعميق اختلافات و كدورت هاست. تاريخ جهان پر است از انتقام جويي هاي بي رحمانه سلاطين و امرا و قبايل و اقوام و ملت ها كه ريشه در حسادت ها، بدگماني و كينه توزي هاي فردي دارد و علاوه بر غارت ها، هتك ناموس ها و تجاوزها وحدت جامعه انساني را خدشه دار ساخته است؛ چه آن كه تاريخ اسلام نيز در خود چنين كينه توزي هايي را ميان فرق مختلف بسيار ثبت كرده است. اما تعاليم پيامبران و قرآن براساس ايجاد صلح و آشتي ميان برادران ديني و پاسخ دادن بدي ها با خوبي و پيشه ساختن عفو و گذشت و مدارا بنا شده است. در چنين فضايي الفت و برادري ميان مسلمانان ريشه دار مي شود و در هجمه ها، توطئه ها و مشكلات يار و ياور ديگر هستند.

مقام معظم رهبری با اشاره به صرف مبالغ هنگفت برای تبلیغ علیه شیعه که به دلیل کینه توزی و دشمنی با انقلاب اسلامی ایران صورت می گیرد، معتقدند نباید به این خیانت دشمنان کمک نمود و پیشنهاد مباحثات علمی بدور از کینه و عداوت بین مذاهب اسلامی را مطرح می فرمایند:

« هركس - چه در محيط سنّی و چه در محيط شيعه - به همدلی و ارتباطات حسنه و دوستانه بين شيعه و سنّی كمك كند، او به نفع اسلام و هدف های امت اسلامی كار كرده است. هر كس هم سعی در جدايی كند، درست نقطه مقابل آن حركت كرده است. بنده اطّلاعِ نزديك دارم كه امروز در بعضی از كشورهای اسلامی كه نمی‌خواهم از آنها اسم بياورم از صندوق هايی كه مرتبط با اهداف و اميال بيگانگان است، پول هايی را صرف می‌كنند؛ مخصوص اين كه عليه شيعه، عليه عقايد شيعه و عليه تاريخ شيعه كتاب بنويسند و در دنيای اسلام پخش كنند! آيا آنها به تسنّن علاقه‌مندند؟ نه؛ آنها می‌خواهند نه شيعه باشد، نه سنّی. نه با شيعه دوستند، نه با سنی؛ منتها چون امروز در ايران حكومت اسلامی و پرچم اسلام را يك مجموعه شيعی در دست گرفته است و همه پايبندی ملت ايران را به تشيّع می‌دانند، لذا اين ها هرچه دشمنی با انقلاب هم دارند، بر سر شيعه خالی می‌كنند. با شيعه مبارزه می‌كنند، برای اين كه نگذارند حاكميت سياسی اسلام و اين پرچم افتخار و عزّت به جاهای ديگر سرايت كند و مورد جذب جوانانِ كشورهای ديگر شود. هيچكس نبايد به اين خيانتِ دشمنان كمك كند .

البته ما با اين بيانمان، نه می‌خواهيم بگوييم كه شيعه، سنّی شود؛ يا سنّی، شيعه شود و نه می‌خواهيم بگوييم كه شيعه و سنّی به قدر توان و مقدورات خودشان، برای تحكيم عقايد خودشان كار علمی نكنند. اتّفاقاً كار علمی، بسيار خوب است و هيچ اشكالی ندارد. كتاب های علمی بنويسند؛ در محيط های علمی، نه در محيط های غيرعلمی، آن هم با لحن های بد و غلط. بنابراين، اگركسی می‌تواند منطق خود را ثابت كند، ما جلوِ كار او را نبايد بگيريم. اما اگر كسی می‌خواهد با حرف، با عمل و با شيوه‌های گوناگون، اختلاف ايجاد كند، اين را ما فكر می‌كنيم كه در خدمت دشمن است. هم سنّي ها بايد مراقب باشند و هم شيعه‌ها.» (خامنه ای ، 1387، ج2، صص 175-180).

15- مقابله با دنياپرستي و جاه طلبي:

اتحاد در بسياري از موارد نيازمند روحيه ايثار و فداكاري، عفو و بخشش و تواضع و فروتني است. دنياطلبان و عاشقان شهرت و مقام كه هيچ عملي را جز در راستاي مال و مقام انجام نمي دهند و در لحظات بحراني و مشكلات اجتماعي به جاي ميدان دادن به افراد لايق و گذشتن از حقوق خويش بر حفظ قدرت و موقعيت حزب و جناح خويش تأكيد مي كنند، بزرگترين سنگ اندازي را در جهت اتحاد مسلمانان ايجاد مي كند. مقام معظم رهبری توصیف جالبی از چنین لفراد دارند:

« آنها به جاي اعتصام به حبل ا به عنوان محور وحدت به حبل شيطان كه همان دنياپرستي است، چنگ مي زنند و ايجاد تفرقه مي كنند. آنان به راحتي به خاطر متاعي اندك پست مي شوند و عزت و شوكت خود و ميهن خود را مي فروشند و استعمارگران نيز باتوجه به چنين روحياتي به تطميع مادي و معنوي آنان مي پردازند. » (خامنه ای ، 1387، ج1، ص19).

راهکارهای اشاعه منطق گفتگو بین مسلمانان با معیارهای قرآنی:

- پذیرش دو طرف یا چند طرف: یکی از پیش‌فرض های آغازین گفتگو، پذیرش دو طرف یا چند طرف است که با استفاده از علائم، از جمله کلام به شکل های مختلف با یکدیگر تبادل معنا می‌نمایند. این امر مورد پذیرش قرآن کریم است. البته پذیرش طرف مقابل به معنای حقانیت او نیست، بلکه منظور این است که گفتگو وقتی تحقق پیدا می‌کند که هر یک از طرفین، سخن طرف دیگر را بشنود و با یکدیگر به تبادل آرا و عقاید بپردازند.

- آگاهی و علم: طرفین گفتگو باید با آگاهی و علم به مذاکره بپردازند. کرامت و ارزش آدمی به علم و دانش است و به واسطه تعلیم اسمای الهی و دریافت تعالیم حق، مسجود ملائکه شد و فرشتگان را به کرنش و تعظیم واداشت. خداوند از انسان می‌خواهد نسبت به آنچه علم ندارد، پیروی نکند.

- لزوم پذیرش اختلاف اقوام، ملل و زبان ها: اختلاف انسانها از نظر زبان، ملیت و غیره نباید مانع گفتگو شود. قرآن کریم به صراحت قبایل و گروه‌ ها را پذیرفته است و اختلاف بین رنگ ها و زبان ها را از آیات الهی می‌شمارد. گوناگونی انسان ها از نظر رنگ، نژاد ، ملیت و زبان، تفاوتی در انسانیت انسان پدید نمی‌آورد. بسیاری از اختلاف ها و جنگ ها ناشی از این امر است که گروهی خود را از نظر نژاد و ملیت، برتر از دیگران می‌دانند. همین امر باعث بروز جنگ جهانی دوم، از سوی نازی های آلمان شد. آنان خواهان برتری و تسلط بر سایر نژاد ها و ملل بودند. طبیعی است در چنین حالتی، جایی برای گفتگو و شناخت حقایق باقی نمی‌ماند؛ در حالی که قرآن کریم گوناگونی انسان ها از نظر نژاد، ملیت و... را وسیله‌ای برای شناخت یکدیگر می‌داند.

- امکان حصول تفاهم و وحدت: هر چند انسان ها گوناگون آفریده شده‌اند، با این حال، زمینه ‌های فراوانی برای ایجاد تفاهم و همکاری بر اساس اصول مشترک وجود دارد. یکی از راهکار های گفتگو این

است که بتوان به وسیله گفتگو به اصول مشترک دست یافت و بر اساس آن با یکدیگر تعاون و همکاری داشت. قرآن کریم به مسلمانان می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدستان با شما همکاری کنند، از پا ننشینید و بکوشید دست‌کم در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند، همکاری آنان را جلب‌کنید و آن را پایه برای پیشبرد اهداف مقدستان قرار دهید.

- آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه: یکی از راهکارهای گفتگو، قبول آزادی فکر و اندیشه است. هیچ یک از طرفین گفتگو نمی‌تواند عقاید و افکار خویش را به دیگری تحمیل کند. در قسمتی از آیات قرآن کریم، این اصل تعقیب شده است که اساسا طبیعت اعتقادات قلبی و مسائل وجدانی به گونه‌ای است که اکراه و اجبار بر نمی‌دارد. اگر فردی به حکم اجبار و فشار، معتقدات و دستورات یک مذهب را در ظاهر بپذیرد، هرگز دلیل آن نیست که او در قلب و وجدان خویش آن را پذیرا گشته است.

- خوش بینی نسبت به دیگران: یکی دیگر از راهکارهای گفتگو، خوش بین بودن و احترام به طرف گفت و گوست. همه انسان ها از فطرت الهی بهره مندند. اگر فشارها و هوس ها برداشته شود، پاکی و اصالت آنان ظاهر می‌گردد. از این رو، قرآن کریم، تمسخر دیگران را ممنوع ساخته و از مسلمانان می‌خواهد که اقوام دیگر را مسخره نکنند.

- جدی گرفتن پیام گفتگو: قرآن کریم از رفتار و عملکرد عده‌ای از مخالفان و معاندان حکایت می‌کند که هر گاه پیام جدی وحی را از زبان پیامبر خدا می‌شنیدند، او را تکذیب کرده و به او نسبت سحر و جادو، شاعر و دیوانه می‌دادند و در مواردی سخنان وحی را اسطوره پیشینیان معرفی می‌کردند. این امر، نشان دهنده رفتار ناپسند آنان در گفت و گو با پیامبر خداست و به دلیل ضعف و پیش داوری خویش و بدون توجه به پیام گفتگو، از شنیدن پیام وحی خودداری می‌کردند.

- احترام به افکار، فرهنگ و مقدسات یکدیگر: قرآن کریم ضمن تکریم و احترام به پیامبران و کتب آسمانی سابق، آنها را تصدیق می‌کند. قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد که کافران را دشنام و ناسزا ندهند؛ چه این که آنان نیز در مقابل و از روی دشمنی به خدا ناسزا می‌گویند و نیز از مؤمنین می‌خواهد با کسانی که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند، دوست نشوند.

در همین راستا برای اشاعه منطق گفتگوی بین مسلمانان ، پیشنهاد می گردد:

- فلسطين يك اصل مشترك بين تمامي كشورهاي اسلامي است و مي تواند يكي از محورهاي گفتگوی بين مسلمانان قرار گيرد.

- تلاش در جهت وحدت رسانه اي و تبليغاتي جهان اسلام

- بهره گيري شايسته از مراسم عبادي- سياسي حج

- بهره گيري شايسته از مجامع و سازمان هاي اسلامي در راستاي انسجام اسلامي همچون سازمان كنفرانس اسلامي و...

- توجه و تأكيد بر مشتركات مذهبي و احترام به انديشه هاي هر يك از مذاهب.

- ايجاد فضاي گفتگو ميان علماي فرق مختلف اسلامي با هدف تحقق انسجام اسلامي.

- توجه به مضرات خودخواهی و دنیا طلبی فرقه ها و مذاهب اسلامی برای وحدت امت اسلامی.

- رویکرد دقیق به نقش نظم باطل جهانی در ایجاد فرقه گرایی بین مسلمانان.

- بررسی تاثیر موقعیت جغرافیائی جهان اسلام بر تشدید فرقه گرائی.

- مبارزه با خوی قومیت، مذهب و طایفه گری در بین مسلمانان و گرایش به نقاط مشترک.

- توجه به عواقب وخیم جنگ شیعه و سنی برای جهان اسلام.

- هوشیاری در برابر توطئه عمال تفرقه انگیز دشمنان دردنیای اسلام

- تصحیح استدلال غلط کشورهای مسلمان درباره منافع مذهبی و فرقه ای خود

- عبرت ملت های مسلمان از ایران در برقراری وحدت ملی بین اقوام ومذاهب مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

- تاکید بر اسلام و منافع مسلمانان در مقابل ناسیونالیزم افراطی در کشورهای مسلمان

- هوشیاری در برابر ایجاد سوء ظن بین دولت ها و ملت های اسلامی

- تکریم و الگوگیری از شخصیت پیامبر اعظم(ص) به عنوان محور انسجام اسلامی از سوی همه مذاهب اسلامی.

- عدم ضعف و سستی روسای کشورهای اسلامی در برابر توطئه های تفرقه برانگیز.

- تعامل رسانه ای و مطبوعاتی کشورهای مسلمان برای روشنگری و مقابله با فرقه گرائی بین پیروان مذاهب اسلامی.

منابع و ماخذ:


1- برومند, سیدمهدی، شیوه های تعلیم و تربیت در قرآن و سنت, رشت: کتاب مبین ، 1380

2- بولتون, رابرت، روان شناسی روابط انسانی, ترجمة حمیدرضا سهرابی, تهران: رشد،1381

3- خامنه ای ، سید علی(آیت ا) ، امریکا از دیدگاه رهبری، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران، قم: نشر یاقوت، 1378

4- خامنه ای ، سید علی(آیت ا) ، حدیث ولایت (مجموعه رهنمود های مقام معظم رهبری)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مجموعه شش جلدی ، 1387

5- خامنه ای ، سید علی(آیت ا) ، دشمن شناسی از دیدگاه مقام معظم رهبری ، سازمان عقیدتی سیاسی ـ دفتر سیاسی، تهران، دفاع، 1381

6- خامنه ای ، سید علی(آیت ا) ، ویژگی های انقلاب اسلامی و راه های تداوم آن در آیینه نگاه رهبر معظم انقلاب، تهران: قدر ولایت، 1380

7- فضلا, محمدحسین، گفتگو و تفاهم در قرآن کریم, ترجمة سیدحسین میرداماد, تهران, مرکز بینالمللی گفتگوی تمدن ها, 1380

8- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران, تفسیر نمونه, تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه ،1363

9- وود, جولیانی، ارتباطات میانفردی روانشناسی تعامل اجتماعی, ترجمة مهرداد فیروزبخت, تهران: مهتاب, 1379

10- هارجی, اون و کریستین ساندرز و دیوید دیکسون, مهارت های اجتماعی در ارتباطات میانفردی, ترجمة خشاریار بیگی و مهرداد فیروزبخت, تهران : رشد, 1377